

روش‌شناسی حلّ منازعات مذهبی

در آموزه‌های رضوی

دریافت: ۱۳۹۶/۵/۹ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۳۰

حبیب‌الله حلیمی جلودار^۱، سمیه کلیجی کردکلائی^۲، محمدجواد هراتی^۳

چکیده

منازعات مذهبی امری است مورد اهتمام صاحبان اندیشه و حکمت تا جایی که تلاش آنان را در جهت حلّ و فصل مسالمت‌آمیز آن برمی‌انگیزد. در این راستا، انسان‌های بزرگ با رفتار عدالت‌گونه خود و به دور از هرگونه افراط و تفریط، به واسطه رعایت حقوق دیگران و برخورد منصفانه، جامعه انسانی را در مسیر ترقی و تکامل مادی و معنوی، هدایت خواهند کرد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع معتبر تاریخی و به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده و به این پرسش پاسخ داده است که «امام‌رضا(علیه‌السلام) از چه روشی برای حلّ منازعات مذهبی استفاده می‌کرده‌اند؟». حضرت برای حلّ منازعات مذهبی و فرقه‌ای، رویکرد تکثرگرایی (پلورالیسمی) نداشته‌اند که باعث شود جامعه انسانی در سردرگمی فکری و اعتقادی رها شود، بلکه ایشان در عین اثبات حقانیت اعتقادات صحیح و نیز تبیین و تشریح اشکال‌های وارده بر غیر آن، با تأکید بر اصل مخاطب‌شناسی و موضوع‌شناسی و با رعایت عدالت، انصاف و احترام نسبت به همگان و بدون ایجاد اختلاف، با آگاهی کامل از تمام جوانب امور و مباحث، در گفتگوهای هدفمند و هدایت‌کننده در قالب مناظرات، بحث‌های علمی و منازعات مذهبی را پاسخ داده و آن‌ها را حلّ و فصل می‌کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

روش‌شناسی، منازعات مذهبی، آموزه‌های رضوی، گفتگو، مناظرات.

۱. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول): jloudar@umz.ac.ir

۲. کارشناس ارشد معارف اسلامی: s.kaliji@yahoo.com

۳. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا: mjharaty@yahoo.com

مقدمه

اختلاف عقیده در هر عصر و زمانی در جوامع بشری وجود داشته است. این مسئله زمانی به عنوان چالش مطرح است که شکل منازعات مذهبی به خود بگیرد و به بروز تفرقه و دشمنی اقشار جامعه نسبت به یکدیگر بینجامد. بارزترین پیامد آن به استناد آیات قرآن کریم (انفال/۴۶) تضعیف جامعه انسانی و دینی است.

رهایی از این پیامدها مستلزم پیشگیری از وقوع تنازعات مذهبی و آگاهی به فنون و روش‌های حل اختلافات و منازعات مذهبی است. توجه به سیره گفتاری و عملی امامان معصوم (علیهم‌السلام) به خصوص امام رضا (علیه‌السلام) با توجه به فضای تضارب آراء در زمان حیات آن بزرگوار و چگونگی تبیین مسائل فکری از سوی ایشان بدون ایجاد تنش و در عین حال رفع منازعات مذهبی موجود، الگویی قابل اطمینان برای انجام این رسالت مهم و رهایی از پیامدهای آن خواهد بود.

در بحث از پیشینه مطالعاتی این موضوع، تألیفاتی به منظور شناسایی روش‌های مناظراتی امام رضا (علیه‌السلام) انجام گرفته، اما روش‌شناسی حل و فصل اختلافات و منازعات مذهبی از سوی امام رضا (علیه‌السلام) به نحو جامع، به احصاء نویسندگان این مبحث در نیامده است. لذا پژوهش حاضر در صدد است تا با بررسی منابع متعدد تاریخی و روایی، به این مسئله بپردازد که چه روش‌ها و شاخص‌هایی برای حل منازعات مذهبی در آموزه‌های امام رضا (علیه‌السلام) مورد توجه قرار گرفته است؟

بر این اساس، احصاء روش‌ها و شاخص‌های حل منازعات مذهبی در آموزه‌های رضوی، جنبه نوآورانه نوشتار حاضر به شمار می‌آید. نوشتار حاضر از طریق بیان مناظرات و چگونگی برخورد علمی آن حضرت با فرقه‌های مختلف، سعی در بیان این مطلب دارد که با توجه به شرایط حاکم، گفتگوی هدفمند در قالب مناظره بهترین راه در جهت انجام وظیفه ارشاد و هدایت است.

از این رو، امام (علیه‌السلام) در مناظره به عنوان گفتگویی هدفمند، منازعات مذهبی

را با استفاده از شاخصه‌هایی مانند شناخت مخاطب و موضوع و استدلال متناسب با آن، تمسک به مسلمات مخاطب، استفاده از زبان مشترک، رعایت انصاف، تکیه بر مشترکات، شخصیت‌بخشی به افراد به‌منظور ایجاد زمینه بیشتر برای درک حقایق و... حل و فصل می‌کردند. از این‌رو، به‌کارگیری این شاخص‌ها نه تنها از تنازع و دشمنی‌ها کاسته، بلکه شرایط تحقق وحدت فکری بدون اعمال هیچ‌گونه اجبار را فراهم کرده است. البته همه این شاخص‌ها با تکیه بر آگاهی همه‌جانبه به ابعاد موضوع مورد بحث، نتیجه‌بخش خواهد بود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱ حل، منازعه و مناظره در لغت

تبیین برخی واژگان برای فهم بهتر مطالب ضروری است. «حل»، «منازعه» و «مناظره» از آن جمله است. «حل» در لغت به معنای باز کردن گره است. بدین جهت، حضرت موسی (علیه السلام) از خداوند با عبارت «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي» (و عقده را از زبانم بگشا) (طه/۲۷) گره‌گشایی از زبان را درخواست می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۳۱؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۶۶). «تَنَازُع» و «مَنَازَعَه» از ریشه «نزع»^۱ (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۴۲؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳: ۱۱۵)

و در اصل به معنای مجاذبه است؛ یعنی کسی یا چیزی را از موقعیتش تغییر دهند (بن‌اثر جزری، ۱۳۶۷، ج ۵: ۴۱) که بعدها به دشمنی و خصومت و مجادله تعبیر شده است (بستانی، ۱۳۷۵: ۸۶۶؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۱۰؛ فراهیدی، بی‌تا، ج ۱: ۳۵۹؛ زبیدی، بی‌تا، ج ۱۱: ۴۷۶).

بنابراین نزاع و منازعه به معنای دشمنی کردن نسبت به یکدیگر در حقیقت یک امر است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۹۵؛ زبیدی، همان). لذا «تَنَازُعُ الْقَوْمِ» به معنای این است

۱. نزع به معنای کندن است.

که آن قوم با هم اختلاف پیدا کردند (ابن منظور، بی تا، ج ۸: ۳۵۲؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۲۶۲). «مناظره» از ریشه «نَظَرَ» به معنای دیدن با چشم (ابن منظور، بی تا، ج ۵: ۲۱۵) درنگ و تأمل و دقت به واسطه نگاه (جوهری، بی تا، ج ۲: ۸۳۰؛ زبیدی، بی تا، ج ۲: ۲۳۷) و به معنای مجادله (فیومی، بی تا، ج ۲: ۶۱۲) و مقایسه و نزدیک شدن (زمخشری، بی تا: ۶۴۱) است. از این رو، مناظره در لغت به معنای درنگ و تأمل است.

۱-۲ حلّ منازعه و مناظره در اصطلاح

حلّ منازعه از راه‌های مختلف حاصل می‌شود. از این رو «حلّ و فصل منازعه به تمامی روندهای فضایی، تکنیک‌های جایگزین حلّ اختلافات از قبیل مذاکره، میانجیگری، حاکمیت، دیپلماسی، تحلیل حلّ مسئله و ایجاد صلح اطلاق می‌شود. به تعبیر دیگر، حلّ و فصل منازعه دربرگیرنده تمامی ابزارهای غیرخسونت‌آمیز برای کشمکش و اختلاف بین اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها و مسائل بین‌المللی است.» (جوادی‌ارجمند و متین جاوید، ۱۳۸۷: ۱۶) بنابراین «حلّ منازعه» در معنای عام، فرایندی است که طی آن اختلاف‌ها و برخوردهای میان دو یا چند طرف به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و بدون خسونت و رضایت‌بخش حلّ و فصل می‌شود (دلآوری، ۱۳۸۷: ۳). بر این اساس، فرایندی که به نحو مسالمت‌آمیز، اختلاف‌های سیاسی یا اجتماعی و اعتقادی و مذهبی اقرار جامعه را حل و برطرف می‌کند «حلّ منازعه» نامیده می‌شود. البته، هرچند در پی حلّ منازعه، درگیری‌های مختلف به خصوص نزاع‌های مذهبی حل و فصل خواهد شد اما توجه به اقتضائات و شرایط حاکم و به کارگیری روش مناسب برای وصول به این هدف، ضروری می‌نماید.

مناظره در اصطلاح به معنای گفتگوی طرفینی است و به قول راغب اصفهانی «به گفتگوی رو در رو و مطرح کردن هر آنچه که با بصیرت و درنگ درک می‌شود، گویند.» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۸۱۴) خواجه نصیرالدین طوسی در بیان مناظره، آن را میان دو صاحب رأی متقابل می‌داند که هر کدام متکفل بیان رأی خویش است،

به شرط آنکه هر دو طرف بعد از تبیین مسئله، حق را مساعدت نمایند و غرض دیگری مورد توجه نباشد (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۷: ۴۴۸). بنابراین، مناظره گفتگوی متقابل میان صاحبان اندیشه و اعتقاد در جهت وضوح و تبیین صحت و نادرستی تفکر و اندیشه‌های خود است.

گفتگو می‌تواند صرف بیان افکار و اعتقادات باشد اما در گفتگوی هدفمند، دو طرف برای دستیابی و تبیین درستی و نادرستی اندیشه‌ها به بحث می‌پردازند. اجرای درست و رعایت قواعد علمی و اخلاقی آن، زمینه‌ای برای رفع اختلاف‌های فکری و نگرشی خواهد بود. نمود بارز این نوع گفتگو در قالب مناظره قابل طرح است. بر اساس سرگذشت زندگانی امام‌رضا (علیه‌السلام) و تضارب افکار و آرای حاکم در آن عصر، اتخاذ چنین روشی از سوی آن حضرت حکیمانه بوده است. شواهد و دلایل آن در ادامه خواهد آمد.

۲. امام رضا (علیه‌السلام) و ضرورت بهره‌گیری از گفتگوهای مناظراتی در حل منازعات مذهبی

تبلیغ دین هدی امری است مهم که برای تحقق آن، به شرایط و اقتضائات زمان نیز باید توجه نمود. از این‌رو، امامان معصوم (علیهم‌السلام) به‌عنوان پیشوایان و مبلغان عرصه دین و شریعت، برای تبیین و روشن‌نگری اذهان عمومی، با تناسب به شرایط حاکم از طُرُق مختلف اقدام می‌کردند. به‌عنوان نمونه، امام علی (علیه‌السلام) (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۴۴۹) و امام حسین (علیه‌السلام) (ابن طاووس، ۱۳۸۰: ۱۳۸) با توجه به شرایط آن عصر برای برطرف کردن ظلمت فکری و نظامی و نشر دین الهی، شمشیر را به‌عنوان ابزار کارآمد اختیار کردند؛ چنان‌که در خفقان حیات امام سجاد (علیه‌السلام)، ادعیه و جذب محدثان (جعفریان، ۱۳۸۱: ۲۶۰)، روش تبلیغی محسوب می‌شده است تا آنجاکه از عوامل نزدیکی مردم بیان جملات زیبا در قالب دعا بوده است (همان: ۲۶۱).

امام باقر(علیه‌السلام) نیز در فضای سیاسی بازتر از امام سجاد(علیه‌السلام)(لیثی، ۱۳۸۴:۳۸) و با توجه به مشکلات حدیثی و فقهی آن دوران، درصدد نشر معارف الهی و تبلیغ دین از طریق نقل احادیث نبوی و تربیت شاگردانی در این زمینه برآمدند(تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۵:۲۴۵؛ جعفریان، ۱۴۲۳ق:۲۹۰). دوران امام صادق(علیه‌السلام) نیز اگرچه حکومت بنی‌عباس از نظر خفقان هم‌تراز با دوران بنی‌امیه نبود و امام با فضای باز سیاسی روبه‌رو شده بود، اما رویکرد برخی شیعیان به دولت عباسی و پیوستن فرقه زیدیه نیز به این روند و تهدید همه‌جانبه غلات، دوران حساسی را رقم زد که حضرت با توجه دادن تام شیعیان به اهل بیت(علیهم‌السلام) و تهذیب شیعه و تربیت شاگردانی چون زراره و منع شیعیان از تمسک به روایات دیگران، شرایط آن دوران را مدیریت کرد تا آنجا که حضرت، نبود چنین شاگردانی را موجب نابودی احادیث معصومین(علیهم‌السلام) دانست(جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۴۵-۳۳۴)

اما امام رضا(علیه‌السلام) در دورانی می‌زیست که تعقل و تضارب آراء در آن، نمود بیشتری داشت و افکار و عقاید جدید در اثر ترجمه‌های کتاب‌های یونانی ایجاد شده بود(حسینیان مقدم و همکاران، ۱۳۸۸:۳۱۶). زنادقه و ادیان مختلف یهودی، مسیحی، زرتشتی و فرقه‌های درون دینی چون فطحیه، زیدیه، واقفیه و گرایش‌های کلامی چون اعتزال و اهل جبر از این گونه بودند. البته، پیوستن اقوام و ملل مختلف به اسلام و درآمیخته شدن افکار و اندیشه‌های آنان با آیین اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان با پیروان سایر ادیان و تولد «زنادقه» در جهان اسلام که ضدیت با دین، سرلوحه اقدام‌های آنان بود، اهتمام خلفای عباسی به آزادی افکار و بیان و پیدایش مباحث فلسفی که شبهاتی را بر می‌انگیخت(مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳:۵۹) از جمله عوامل عقاید متنوع بود که دفاع علمی همه‌جانبه امام رضا(علیه‌السلام) را از اعتقادات و نگرش ناب الهی اسلام در برابر هجوم افکار و نگرش‌های انحرافی آن عصر می‌طلبید. بدین سبب، آن حضرت برای رفع منازعات مذهبی و اصلاح هرگونه شبهه و انحراف در نگرش اعتقادی، غالباً از روش گفتگوی روشن‌گرایانه مدد می‌جست که جلسات مناظره و پرسش‌وپاسخ بهترین وسیله برای تحقق و پیاده‌کردن این روش است. به‌همین

جهت، آن حضرت چندین جلسه مناظره و پرسش‌وپاسخ در زمان حیات شریف خود داشته‌اند(ر.ک: طبرسی، احتجاج، ۱۳۶۱: ۴۴۲-۳۹۶)

در دنیای امروز نیز منازعات مذهبی و اعتقادی، چندانستگی و دشمنی را به‌دنبال داشته است؛ اما سبک خاصی که در غرب برای حلّ منازعات مرسوم است، روشی است که در آن، همه نگرش‌ها و اعتقادات را صحیح و بدون اشکال می‌خواند. این شیوه نه تنها نتوانسته نزاع‌ها و اختلاف‌های مذهبی را سامان بخشد بلکه به نحو ضمنی، به قوه تفکر و فهم بشری توهین کرده و آن را به سُخره گرفته است. به همین جهت، این رویکرد نه‌تنها از دیدگاه آیات الهی(نحل/ ۳۶؛ حج/ ۱۷؛ بقره/ ۶۲) مردود بلکه از منظر منطقی نیز متناقض است(مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۵). از این‌رو، با توجه به عملکرد دنیای غرب، اهتمام و عملکرد امامان معصوم(علیهم‌السلام) به‌ویژه امام‌رضا(علیه‌السلام) نمایشگر بزرگداشت انسان و آزادگی فکری اوست تا آنجاکه آنها هرگونه تلاشی را جهت سوق‌دادن بشر به جهان‌بینی و نگرش صحیح به‌کار گرفته‌اند؛ امری که پلورالیسم^۱ و تکثرگرایی غرب در عین تظاهر به آن، از آن بی‌نصیب بوده است.

شگفتی در انتخاب اصل‌گفتگوی هدفمند و تبیین حقایق در قالب مناظره در دوران امام‌رضا(علیه‌السلام) با توجه به مهندسی شرایط فرهنگی عصر آن امام کارگشا خواهد بود. از یک‌سو دوران زندگی حضرت با فضای باز فرهنگی و اعتقادی همراه بود به‌نحوی که حتی پس از شهادت امام کاظم(علیه‌السلام) با فرقه واقفیه که وفات حضرت را باور نکرده و قایل به حیات ایشان بودند، مواجه گشت(مقدسی، بی‌تا، ج ۵: ۱۲۸). از سوی دیگر، مأمون پس از کشتن امین، با طرح مسئله ولایت‌عهدی، امام را کنترل کرد(ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۷۰؛ عطاردی قوچانی، ۱۴۱۳ق: ۹۶).

این محدودیت که از جانب عباسیان برای علویان و شیعیان ایجاد شده بود، دوری شیعیان از آن حضرت(عرفان‌منش، ۱۳۷۶: ۱۶۹) و اختلاف‌های فکری و اعتقادی را در پی

1. Pluralism

داشت (جعفریان، ۱۳۸۱: ۴۵۱) تا آنجاکه ابی نصر بزنطی در خدمت امام رضا (علیه السلام) از اعتقاد برخی شیعیان به جبر و برخی دیگر به اختیار خبر داده است (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۳۳۸). قابل توجه است که این مسئله از انحراف‌های اعتقادی شیعیان در عصر آن حضرت حکایت دارد زیرا ابی نصر بزنطی برای نقل این موضوع از واژه اصحابنا^۱ بهره برده است. از این رو، اختیار روش گفتگوی هدفمند در قالب مناظره از سوی امام رضا (علیه السلام) برای تبیین و تفهیم معارف در ایجاد زمینه لازم برای رفع منازعات مذهبی و تفرقه حاصل از آن و هدایت مردم به سوی عقاید حقّه، کارساز بوده است و از این طریق، بستر تحقق وحدت و گرایش افراد به اسلام ناب فراهم گردید.

شاید این شبهه مطرح گردد که توجه مأمون به موضوع گفتگو و تبادل افکار و شکل‌گیری مناظرات دولتی^۲، زمینه‌ساز رواج گفتگوی هدفمند در دوران حیات امام رضا (علیه السلام) بوده است. اگرچه این مسئله در ایجاد و گسترش آن بی‌تأثیر نبوده است، اما امام رضا (علیه السلام) این سبک را با توجه به اقتضائات و ویژگی‌های آن عصر اختیار نموده و تنها به شهر مرو و اجبار لطیفانه مأمون اختصاص نداشته است زیرا حضرت در مسیر حرکت از مدینه به مرو نیز گفتگوی رودررو را اختیار و به پرسش‌های گوناگونی پاسخ می‌دادند. به‌عنوان نمونه، در سال ۲۰۱ق، در نزدیکی پل یا روستایی به نام اربق در نزدیکی‌های رامهرمز، شخصی به نام جعفر بن محمد نوفلی خدمت امام می‌رسد و شبها واقفیه مبنی بر زنده بودن امام کاظم (علیه السلام) را مطرح می‌سازد و امام دلایل ردّ این ادعا را عرضه می‌کند (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۵۹؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۴: ۳۸۵؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۰۶).

از سوی دیگر مأمون جلسات مناظره و پرسش و پاسخ را به‌منظور سلب وجاهت علمی و شخصیتی امام و به چالش کشیدن توانمندی علمی ایشان برگزار می‌کرده است؛ چنان‌که دعوت از سلیمان مروزی برای شرکت در مناظره، به‌منظور محکوم کردن امام و شکست علمی ایشان بوده است (طبرسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۰۱). این در حالی است

۱. «آن اصحابنا بعضهم یقولون بالجبر و بعضهم یقولون بالاستطاعة»
 ۲. به این معنا که مناظرات تحت حمایت حکومت برگزار می‌شده است.

که حضرت نیز از انگیزهٔ مأمون در تشکیل جلسات مناظره آگاه بوده است. از این‌رو، در خطاب به نوفلی، مأمون را به جهت برخورداری خویش از توانمندی گفتگوی هدفمند و مناظره با پیروان ادیان و فرقه‌ها بر اساس کتب مقدس آنان، در رسیدن به اهدافش ناکام دانست؛ موقفی که در آن، مأمون، نادم بر کار خویش و آگاه بر عدم صلاحیت خلافتش خواهد بود (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۴۱۹ و ۱۵۶-۱۵۵). بنابراین، اگرچه مأمون به قصد ضربه به شخصیت علمی و ولایی حضرت، شرایط گستردهٔ مناظره را فراهم نمود، اما امام (علیه‌السلام) بر پایهٔ علم و آگاهی همه‌جانبهٔ خویش و با بهره‌مندی از روش گفتگوی هدفمند، توطئه مأمون را خنثی کرده و با گسترش نفوذ خود در میان علما و دانشمندان، به آگاه‌سازی و نشر معارف حقه پرداخته است.

۳. شرط تحقق گفتگوی مناظره‌ای روشمند

هر یک از فرقه‌ها و مذاهب تفکرات و گرایش‌های خویش را صحیح می‌دانند. از این‌رو، زمینهٔ اختلافات و منازعات مذهبی فراهم می‌گردد. راه برون‌رفت از این چالش، تبیین صحیح ابعاد مسئلهٔ مورد بحث در گفتگو و در قالب مناظره و لازمهٔ آن آشنایی کامل و همه‌جانبه با ادیان و فرق اسلامی است زیرا دانش و آگاهی از ابزارهای قدرتمند در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی است. با توجه به این مهم، گفتگو و مناظرهٔ روشمند و اصولی، زمانی نتیجه‌بخش خواهد بود که اصل احاطهٔ علمی بر ادیان و مکاتب و فرقه‌های گوناگون مطرح باشد. مناظرات مختلف امام‌رضا (علیه‌السلام) گواه این مطلب است. چنان‌که در ادامه شاهد خواهیم بود، حضرت در مناظرهٔ خویش با جاثلیق مسیحی، برای اثبات نبوت رسول خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و بشارت آن در انجیل، از آیات الهی تورات یاد می‌کند و در اثبات یگانگی خداوند و ردّ مقام الوهیت حضرت مسیح، از یسع و حزقیل به‌عنوان پیامبرانی نام می‌برد که اقدام‌هایی مشابه اعمال عیسی نبی انجام دادند اما از نظر مسیحیان مقام الوهیت ندارند (حرعاملی، همان، ج: ۱، ۲۸۱).

یا در مناظره حضرت با رأس الجالوت برای اثبات نبوت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) علاوه بر گفتار اشعیای پیامبر در تورات، از حیقوق نام می برد که گواهی می دهد خداوند از کوه فاران «بیان» می آورد و آسمان ها از تسبیح احمد و امتش پر می شود (مجلسی، همان، ج ۱۰: ۳۰۸). یا در مناظره با سلیمان از متکلمان مسلمان، با توجه به احاطه کامل وی بر قرآن کریم، با استناد به آیات قرآن، مسئله بداء را شرح می دهد (عطاردی قوچانی، همان، ج ۲: ۱۰۶). همچنین در جریان گفتگو و مناظره با ابوقره از مسلمانان اخباری، بسیاری از ظواهر قرآن کریم و روایات را به شیوه عقلایی مورد توجه قرار داده و به آن ها پاسخ می دهد (کلینی، همان، ج ۱: ۹۶؛ طبرسی، همان: ۴۰۶). این گفتگوها و مناظره های هدفمند از تسلط علمی حضرت بر کلیات علوم شرایع و فرقه های مطرح حکایت دارد. با توجه به این مهم، آشنایی با روش های گفتگو و مناظره های حضرت برای تبیین حقایق و رفع اختلاف ها و نزاع های مذهبی مفید خواهد بود.

۴. شاخصه های گفتگوی هدفمند در حلّ منازعات مذهبی در آموزه های رضوی

با توجه به تبیین دوران حیات امام رضا (علیه السلام) و الزام در به کارگیری روش گفتگوی هدفمند و رودررو در قالب مناظره برای تفهیم معارف و جذب حداکثری مخاطبان، توجه به شاخصه هایی در جلسات گفتگوی مناظره ای، اهمیت دارد زیرا توجه و تمسک بدان، در برقراری گفتگوی هدفمند مفید که موجب تصحیح و روشن سازی افکار و اعتقادات جامعه امروزی است، ثمربخش خواهد بود.

از این رو، پرداختن به برخی شاخصه ها در مناظره های حضرت ضروری است:

۴-۱ مخاطب شناسی

شناخت مخاطب و موضوع جزء اصولی اساسی در اجرای یک مناظره مفید و تأثیرگذار

است. بر این اساس، در مناظره‌ها استدلال‌های ارائه‌شده زمانی سودمند خواهد بود که مخاطب بتواند مفاهیم را به خوبی درک کند. امام رضا(علیه‌السلام) در راستای تبیین حقایق الهی، به این نکته مهم توجه جدی داشته است.

۱-۱-۴ استدلال بر اساس سطح فهم مخاطب

توجه به سطح فکری و عقلانی مخاطب از اصول مهم در مناظره است. اهمیت این مسئله آنجا نمایان است که بدانیم هدف از گفتگوی مناظره‌ای، وادار کردن دیگری به تسلیم در برابر مباحث ارائه‌شده و بیان صرف ایده‌ها و اعتقادهای فردی و گروهی نیست بلکه در جهت تبیین حقایق و نقد اعتقادهای مخاطبان و تحریک قوه تعقل آنان انجام گیرد. لازمه این امر، با فرض احاطه کامل بر موضوع از سوی ارائه‌دهنده بحث، شناسایی استعدادهای فردی و چگونگی ارائه مسائل در حد فهم مخاطب و اطمینان از ادراک مباحث است که در سیره علمی و عملی حضرت، فراوان مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، در مناظره‌ای که حضرت با عمران صائبی با موضوع اولین موجود و مخلوق آن داشته است، حضرت می‌فرماید: «سَأَلْتُ فَأَفْهَمَ الْجَوَابُ» (حال که سؤال کردی، جواب را نیز درک نما) (طبرسی، ۱۳۶۱، همان: ۴۲۴).

پس از پاسخ به سؤال، از قابل فهم بودن این مطلب پرسش می‌کند و می‌فرماید: «أَفْهَمْتَ يَا عِمْرَانُ» (یا عمران، آیا این مطالب را فهمیدی؟) (همان: ۴۲۵). عمران نیز در پاسخ، آن را قابل فهم می‌داند. قابل توجه است امام بعد از فهم مطالب بیان‌شده و آمادگی عمران برای دریافت مطالب عقلی دیگر، به گفتگو ادامه می‌دهد. همچنین در پرسش موجودیت خداوند در شیء یا احاطه شیء بر خداوند، قبل از پاسخ، ضمن پیچیده‌بودن سؤال عمران، عقلای منصف را از درک آن عاجز نمی‌داند و می‌فرماید: «يَا عِمْرَانُ فَأَعْقِلْ مَا سَأَلْتَ عَنْهُ فَإِنَّهُ مِنْ أَغْمَضِ مَا يَرِدُ عَلَى الْمَخْلُوقِينَ فِي مَسَائِلِهِمْ وَ لَيْسَ يَفْهَمُهُ الْمُتَقَارِبُ عَقْلُهُ الْعَازِبُ حِلْمُهُ وَ لَا يَعْجِزُ عَنْ فَهْمِهِ أَوْلُو الْعَقْلِ الْمُنْصِفُونَ» (ای عمران، خوب درک کن و بفهم، زیرا پرسش تو از پیچیده‌ترین مسائل مردم است

که کسانی که از عقل و حلم برخوردار نیستند، آنرا نمی فهمند و عقلای منصف از درک آن عاجز نیستند).

این عبارت این حقیقت را آشکار می‌سازد که عمران جهت برخورداری از روحیه انصاف، قابلیت درک و فهم چنین مسائلی را دارد. حضرت به مباحث ادامه می‌دهند تا آنجا که عمران با توجه به علم الهی و نحوه ارائه مطالب و متناسب با فهم وی، به اسلام ایمان می‌آورد و از نزدیکان و مدافعان اسلام ناب در برابر شبهه‌افکنان می‌گردد (همان). توجیه عقلانی و منطقی عمران از سوی امام‌رضا (علیه‌السلام) کار بسیار بزرگی بود زیرا او بزرگ‌ترین فیلسوف زمانش بود (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۹۱). اما این مهم زمانی تحقق می‌یابد که استدلال‌ها بر اساس ظرفیت عقلانی افراد ارائه شود؛ امری که مورد توجه حضرت بوده و از آن در جای مناسب بهره برده است. در غیر این صورت، رفع مشکلات فکری و اعتقادی مخاطب و منازعات ناشی از آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

۴-۲ موضوع‌شناسی

تشخیص سنخ موضوع و چالش مورد بحث و بیان موارد متناسب با آن از اموری است که در حل مشکلات و رفع اختلاف‌های فکری و اعتقادی کارگشا خواهد بود. امام‌رضا (علیه‌السلام) نیز از شاخصه‌هایی برای تحقق این امر بهره برده‌اند که در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

۴-۲-۱ بهره‌گیری از تشبیه و تمثیل

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر جهت‌دهی گفتگوی مناظره‌ای و غلبه نگرش صحیح بر افکار انحرافی، شناخت موضوع و ارائه آن بر اساس روش مورد نیاز خواهد بود. به‌عنوان

نمونه، با توجه به دشواری فهم مباحث عقلانی برای تبیین این‌گونه موضوعات، بهره‌گیری از روش تمثیل و تشبیه برای نزدیک کردن اذهان به حقایق و واقعیت‌های عالم هستی، بسیار راهگشا است. امام‌رضا(علیه‌السلام) نیز در مناظرات خویش، علاوه بر شناسایی مخاطب و محک استعداد وی در فهم مطالب، از تمثیل و تشبیه برای تفهیم بهتر و دقیق‌تر برخی مسائل عقلی بهره می‌بردند. امام(علیه‌السلام) در احتجاج با عمران صائبی، برای تفهیم بهتر و عمیق‌تر مطلب، از این روش استفاده کرده است؛

آنگاه که عمران از امام درباره‌ی خاموشی خداوند، قبل از آفرینش موجودات و یا جایگزینی خداوند در مخلوقات و بالعکس مخلوقات در خداوند، سؤال نمود. حضرت در جواب سؤال اول، سکوت را زمانی معقول می‌داند که قبل از آن، نطقی انجام گرفته باشد و برای تفهیم بی‌مورد بودن سؤال و تبیین آن، سکوت خداوند را به سکوت چراغ که سخنی فاقد جاهت عقلی است، تشبیه نمود. در جواب سؤال دوم، از آینه و انعکاس اجسام در آن برای بیان واردنشدن خداوند در خلق و بالعکس، بهره برده است(مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۱۳-۳۱۲) یا امام(علیه‌السلام) در جایی دیگر برای تبیین بهتر جایگاه امامت در میان امت اسلامی، آن را به خورشیدی تابان که تالو نورش عالمگیر است و نیز به ماه درخشان، نوری فروزان، ستاره‌ی راهنما، ابری پر باران، بارانی پربرکت، پدری خیرخواه و برادری مهربان تشبیه کرده است(طبرسی، همان: ۴۳۴).

بنابراین، حضرت برای تحقق هدایت و روشنگری معارف دین، از تشبیه و تمثیل استمداد می‌جوید تا از این طریق، بستر فهم حقایق گسترده گردد و زمینه‌های اختلافات و منازعات ناشی از آن برطرف گردد.

۳-۴ استفاده از مشترکات

از دیگر اموری که می‌توان بر اساس آن، اختلاف‌ها و نزاع‌های مذهبی را حل و فصل کرد، بیان مطالب با توسل و اتکا به اشتراک‌های مقبول و رایج طرفین است؛ مسئله‌ای که امام‌رضا(علیه‌السلام) در ابعاد زبانی و علمی به آن توجه کرده است.

۱-۳-۴ سخن گفتن به زبان مخاطب

آشنایی با زبان مخاطب و هم‌زبانی و سخن گفتن به زبان طرف مقابل، بیانگر یک وجه شباهت ظاهری در مناظره است که قلب‌ها را برای پذیرش مطالب آمده خواهد کرد. امام‌رضا(علیه‌السلام) نیز در جلسات مناظره و گفتگوی پیروان ادیان و فرقه‌های گوناگون، برای بهره‌گیری از این عامل مهم، به زبان آنان سخن می‌فرمود. به‌عنوان نمونه، ابی‌بصیر نقل می‌کند که از حضرت دربارهٔ چگونگی شناسایی امام پرسیده و حضرت سه مشخصهٔ امام از جمله سخن نمودن با هر زبانی را بیان می‌کند. در همان حال مرد خراسانی وارد مجلس می‌شود که به زبان عربی شروع به سخن گفتن کرده و حضرت جوابش را به زبان فارسی داده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج: ۱؛ ۲۸۵؛ طبری‌املی (صغیر)، ۱۴۱۳ق: ۳۳۷؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج: ۲؛ ۲۲).

یا در نقلی ابی‌اسماعیل در گفتگو با امام‌رضا(علیه‌السلام) به جهت ندانستن زبان عربی، با زبان سندی بر حضرت سلام نمود و حضرت به زبان سندی به او جواب داده و با همین زبان با او گفتگو می‌کند (بحرانی اصفهانی، بی‌تا، ج: ۲۲؛ ۱۴۶). البته، حضرت در جریان مباحثات و مناظرات، به تسلط خویش بر تمام زبان‌ها اذعان نموده و مخاطبان را در اختیار زبانی که با آن در برابر حضرت سخن بگویند، آزاد می‌گذارند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج: ۱؛ ۱۵۶؛ طبرسی، ۱۳۶۱، همان: ۴۱۶؛ حرعاملی، همان، ج: ۴؛ ۳۱۶؛ مجلسی، همان، ج: ۴۹؛ ۷۵-۷۴). اگرچه این موضوع وجه امتیاز حضرت به‌عنوان امام است، اما بر خورداری هر چه بیشتر از این امتیاز، نقشی تعیین‌کننده در اجرای مفید مناظرات و برقراری ارتباط سازنده و حل اختلاف‌های مذهبی خواهد داشت.

۴-۴ استدلال بر اساس مسلمات مخاطب

از دیگر روش‌های مؤثر در پذیرش انتقادهای فکری و اعتقادی، استفاده از مسلمات و اقرارهای مخاطبان در مناظره‌هاست.

امام‌رضا(علیه‌السلام) نیز در این‌گونه گفتگوها با استفاده از مقبولات طرف مقابل، راه فرار را مسدود و ضمن بطلان ادعای طرف مقابل بر اساس مقبولاتشان، حقانیت اعتقادات خویش را اثبات می‌کرده است. این روش از کارآمدترین روش‌هایی است که می‌توان بر اساس آن بسیاری از اختلاف‌های مذهبی و منازعات ناشی از آن را حل و فصل کرد.

اگرچه در غیر اهل کتاب چون زنادقه، امام(علیه‌السلام) به واسطهٔ برهان‌های عقلی مقبول طرفین مناظره که از مسلمات و مقبولات خواهد بود(ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۲۷۰؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۹۹ق، ج: ۱، ۱۰۴؛ حرعاملی، همان، ج: ۳، ۲۲۸) به تبیین مسائل می‌پردازد، دیگر مناظرات حضرت با اهل کتاب مانند جاثلیق و رأس‌الجالوت از این ویژگی به نحو بارز برخوردارند.

امام‌رضا(علیه‌السلام) با آگاهی از انگیزهٔ مأمون و دشمنی وی از تدارک جلسات مناظره، با اهل کتاب با استناد به کتاب مقدس آنان گفتگو می‌کرد و از این طریق، تاکتیک خصمانهٔ مأمون را خنثی می‌نمود و شایستگی خویش را به عنوان عالم آل محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در عرصهٔ علم و خلافت نمایان می‌ساخت. حضرت در گفتگو با نوفلی فرمود:

به نحوی که هر کدام ادعای خویش را ترک گوید و به قول من برگردد. این موضعی است که مأمون می‌فهمد که خلافت شایسته او نیست.»(حرعاملی، همان، ج: ۴: ۳۱۶؛ طبرسی، ۱۳۶۱، همان: ۴۲۱). امام(علیه‌السلام) به این شیوهٔ مهم در گفتگوهای مناظراتی توجه داشته است؛ لذا زمانی که رأس‌الجالوت در مناظره با حضرت، تنها جوابی را پذیراست که از تورات یا انجیل یا زبور داود، یا صحف ابراهیم و موسی باشد، امام با اطمینان و قاطعیت، ارائهٔ جواب از کتب آسمانی را به عنوان شرط می‌پذیرد(طبرسی، همان).

دربارهٔ مناظرهٔ حضرت با جاثلیق، مأمون پس از معرفی امام(علیه‌السلام) به جاثلیق و رعایت انصاف از سوی وی، از او برای مناظره با امام دعوت می‌کند. جاثلیق در

پاسخ می‌گوید: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ أَحَاجُ رَجُلًا يَحْتَجُّ عَلَيَّ بِكِتَابِ أَنَا مُنْكَرُهُ وَ نَبِيِّي لَأَوْ مِنْ بِيهِ؟» (ای امیرالمؤمنین! چگونه با کسی بحث کنم که به کتابی احتجاج می‌کند که من منکر آنم و به نبی‌ای که ایمان به او ندارم؟). بعد حضرت فرمود: «يَا نَصْرَانِي فَإِنِ احْتَجَجْتُ عَلَيْكَ بِإِنجِيلِكَ أَتَقْرُبُ بِيهِ؟» (ای نصرانی! اگر بر اساس انجیل با تو احتجاج کنم، قبول می‌کنی؟) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۵۶؛ طبرسی، همان: ۴۱۷). بنابراین امام (علیه‌السلام) در مناظرات، بر اساس مسلمات و مقبولات مخاطبان، به احتجاج می‌پرداخت. امام در جواب پرسش رأس‌الجالوت از چگونگی اثبات نبوت نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند که موسی بن عمران، عیسی بن مریم، داود خلیفه خدا در زمین، به نبوتش گواهی داده‌اند. رأس‌الجالوت خواستار اثبات گفته‌ی موسی بن عمران شد. حضرت ضمن یادآوری سفارش موسی به قوم بنی‌اسرائیل درباره‌ی بشارت پیامبری از برادران و لزوم تصدیق و اطاعت از وی، فرمود: «فَهَلْ تَعْلَمُ أَنَّ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِخْوَةً غَيْرَ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ إِنْ كُنْتَ تَعْرِفُ قَرَابَةَ إِسْرَائِيلَ مِنْ إِسْمَاعِيلَ وَ السَّبَبَ الَّذِي بَيْنَهُمَا مِنْ قَبْلِ إِبْرَاهِيمَ (علیه‌السلام)» (اگر قرابت اسرائیل و اسماعیل و ارتباط آن دو از طرف ابراهیم را می‌دانی، آیا می‌پذیری که بنی‌اسرائیل برادرانی غیر از فرزندان اسماعیل نداشتند؟). رأس‌الجالوت در جواب گفت: نه. حضرت فرمود: «آیا از نظر شما این مطلب صحیح نیست؟»

گفت: بله صحیح است (ابن بابویه، همان: ۱۶۴). لذا حضرت بر اساس مسلمات و مقبولات طرف مقابل درصدد اثبات مطالب خویش برمی‌آمدند و برای روشن نمودن وقاحت و زشتی انکار از سوی مخاطب نسبت به حقیقتی که برگرفته از مسلمات و قطعیات وی است، منکر را شایسته‌ی قتل و نابودی دانسته و از این‌رو، راه انکار حقایق مقبول و مسلم را مسدود نموده است (مجلسی، همان، ج ۱۰: ۳۰۲).

البته بهره‌مندی امام (علیه‌السلام) از مسلمات طرف مقابل برای تبیین حقایق و نیز ضعف نگرش مخاطب، به معنای تأیید حتمی این‌گونه مسلمات نیست. به‌عنوان نمونه، حضرت برای اثبات اصل نبودن انجیل حاضر، از جاثلیق می‌پرسد که در نهایت

انجیل گم‌شده را نزد چه کسی یافتند و چه کسی این انجیل را وضع نمود؟ جاثلیق اشاره می‌کند که گم‌شدن انجیل تنها در یک روز بوده و سپس یوحنا و متی آن را تر و تازه یافتند. امام (علیه‌السلام) اطلاع وی را نسبت به قضیه انجیل و علمای آن بسیار کم دانست و صحت ادعای وی را منوط بر نبود اختلاف در انجیل حاضر مطرح کرد؛ در حالی که به گفته امام، در همین انجیل در دسترس، اختلاف وجود دارد که اگر همان انجیل نخست بود، چنین اختلافی در آن یافت نمی‌شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۶۲). بنابراین، امام (علیه‌السلام) با تکیه بر مسلمات طرف مقابل، درصدد تبیین نادرستی افکار و اعتقادات ایشان برمی‌آمد و در این مسیر از دایره انصاف نیز خارج نمی‌شد.

۴-۵ استدلال با براهین عقلی

از دیگر مواردی که می‌توان در گفتگوی رو در رو و بدون واسطه برای تبیین حقیقت افکار و اعتقادات یکدیگر بهره برد، براهین عقلی است. امام رضا (علیه‌السلام) نیز از این ابزار خدشه‌ناپذیر در مناظرات خویش بهره می‌بردند. بر این اساس، در جواب فرد دوگانه‌پرستی که دلیل یکتاپرستی را از امام پرسید، می‌فرمایند: «سخن تو که جهان دو صانع دارد، خود دلیلی بر یکتایی صانع است؛ زیرا تو نمی‌توانی صانع دوم را ادعا کنی مگر بعد از اثبات صانع اول، پس صانع اول مورد اتفاق همگان و بیش از آن، مورد اختلاف است.» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۲۷۰ و ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۹۹ق، ج ۱: ۱۰۴ و مجلسی، همان، ج ۳: ۲۲۸).

یا در مناظره با جاثلیق درباره الوهیت عیسای نبی (علیه‌السلام) حضرت با پرسش از چگونگی تسری نیافتن این مقام به پیامبران دیگری مانند یسع و حزقیل که از این ویژگی برخوردارند، برای رد دلیل الوهیت مسیح پیامبر، بهره می‌برد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، همان: ۱۵۹). یا در جایی دیگر، آن هنگام که نوفلی در روی پل اربق خدمت حضرت رسید، درباره اعتقاد واقفیه (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۵۹ و ابن بابویه، ۱۳۷۸ق،

ج ۲: ۲۱۶) مبنی بر زنده‌بودن امام موسی کاظم(علیه‌السلام) سؤال کرد. حضرت بعد از دروغ دانستن آن، عدم حیات امام کاظم(علیه‌السلام) را این‌گونه استدلال می‌نماید که در صورت زنده‌بودن، دیگر جایی برای تقسیم اموال و ازدواج همسران آن حضرت باقی نمی‌ماند(مجلسی، همان، ج ۴۸: ۲۶۳).

بنابراین، امام برای تحقق هدایت و روشنگری افکار و رفع اختلاف‌ها و ایجاد وحدت واقعی، از براهین و استدلال‌های عقلانی بهره می‌برده است.

قابل توجه اینکه، از یک‌سو امام با ارائه اصل عقلی، به مخاطب متذکر می‌شود یکتایی خداوند که وجه مشترک همگان چه موحد و چه دوگانه‌پرست است، نیاز به دلیل ندارد بلکه ثنویت ادعا شده، مورد اختلاف است و اثبات آن، نیازمند دلیل خواهد بود که باید از جانب مدعی آورده شود.

یا در مباحثه با جاثلیق، با یک اصل عقلی، دلیل ارائه‌شده را مردود می‌داند و در بیان حقیقت رحلت امام موسی کاظم(علیه‌السلام) از آثار عقلی توفی مدد می‌جوید که البته اگر به جای آن از تحکم یا سخنان احساساتی استفاده می‌نمود، نتیجه‌بخش نمی‌بود. از سوی دیگر، با ارائه این برهان و اصول عقلی، راه هرگونه سفسطه را مسدود و قوه تعقل و تفکر را تحریک می‌کند و بستر لازم را برای تأمل و تغییر نگرش و پذیرش اعتقاد حقّه فراهم می‌سازد. از این رو، حضرت با اتخاذ این شاخص، زمینه و بستر لازم را برای هدایت فکری و در پی آن رفع منازعات اعتقادی، فراهم می‌کرده است زیرا منازعات مذهبی بر مبنای حق‌دانستن هر گروه نسبت به دیگر گروه‌ها، شکل می‌گیرد. امام‌رضا(علیه‌السلام) این امر را با روشنگری و تبیین عقلانی مباحث، نه توسل به زور یا احساسات زودگذر، پیگیری می‌کردند.

۴-۶ رعایت انصاف

از دیگر اصولی که در جلسات و گفتگوهای مناظره‌ای می‌توان در بستر آن کژی

اندیشه‌ها و اعتقادات مخاطبان را به آنان گوشزد کرد، رعایت انصاف است. انصاف قلب را نرم و زمینه تغییر نگرش در دیگران و وصول به نتیجه را ایجاد خواهد کرد. امام رضا(علیه‌السلام) در گفتگوها و مناظره‌ها به این مهم توجه داشت و اثبات حقایق، او را از انجام آن غافل ساخت و بر انجام آن از سوی دیگران تأکید می‌فرمود. به‌عنوان مثال، حضرت در مناظره با عمران صابئی، اذن سؤال می‌دهد اما بر رعایت انصاف و پرهیز از بیهوده‌گویی عمران مورد تأکید دارد(مجلسی، همان، ج ۱۰: ۳۱۰) زیرا حضرت انصاف و دوری از لجاجت را از زمینه‌های اصلی درک و فهم مباحث از سوی اندیشمندان می‌داند(طبرسی، ۱۳۶۱، همان: ۴۲۵).

یا در مناظره جاثلیق با حضرت که اولین سؤال وی از امام(علیه‌السلام) پذیرش نبوت عیسی(علیه‌السلام) است، حضرت می‌فرماید: «أَنَا مُقَرَّرٌ بِنُبُوءَةِ عِيسَى وَكِتَابِهِ وَمَا بَشَّرَ بِهِ أُمَّتُهُ وَأَقَرَّتْ بِهِ الْحَوَارِيُّونَ وَكَافَرُ بِنُبُوءَةِ كُلِّ عِيسَى لَمْ يُفَرِّ بِنُبُوءَةِ مُحَمَّدٍ صَ وَبِكِتَابِهِ وَلَمْ يُشِّرْ بِهِ أُمَّتُهُ» (من به نبوت عیسی و کتابش و آنچه امتش را بدان بشارت داده است و حواریون مقرر به آن، ایمان دارم و به نبوت هر عیسایی که به نبوت محمد و کتابش ایمان نداشته و امت خویش را به او بشارت نداده باشد، کافر)(مجلسی، همان، ج ۱۰: ۳۰۲؛ ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۵۲). این مسئله نشان از این حقیقت دارد که حضرت بر اساس اصل انصاف، به آن مقدار از مطالب درست مخاطب اذعان دارد و مطالب نادرست را رد می‌کند. البته، مأمون نیز در مناظرات به رعایت انصاف در گفتگوها تأکید داشت و به سلیمان اجازه داد که به شرط خوب گوش‌دادن و رعایت انصاف، پرسش نماید(طبرسی، همان: ۴۰۲).

بنابراین، با توجه به نقش اساسی انصاف در اعتراف مخاطب نسبت به کژی‌های نگرشی و افکاری و پذیرش حق و رفع نزاع‌های مذهبی، به‌کارگیری آن در منش رفتاری و علمی آن حضرت نمود فراوانی در همه مناظرات داشته است.

۴-۷ تکریم، احترام و شخصیت‌دهی

احترام و رعایت ادب نسبت به طرف مقابل در بحث‌ها به‌خصوص گفتگوهای علمی و تخصصی و خطاب آن به صفات نیکو و شخصیت‌دهی وی، از اصول بنیادین جلسات و گفتگوهای مناظراتی برای تفهیم بهتر اعتقادات و افکار خواهد بود. این اصل در مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) نیز فروان قابل مشاهده است. حضرت در مناظره خویش با عمران صابی، هنگامی که عمران از جایگزینی خدا در مخلوقات و برعکس سؤال می‌کند، امام با ارائه توضیحات مختصر درباره برتری خداوند از آنچه عمران بیان کرده است، به شرح این مسئله می‌پردازد و می‌فرماید: «سَأَعْلَمُكَ مَا تَعْرِفُهُ بِهِ» (به‌زودی رابطه خدا با مخلوقات را که برایت قابل درک است، به تو آموزش می‌دهم) (مجلسی، همان، ج ۱۰: ۳۱۳). این بیان حاکی از این حقیقت است که تکریم و شخصیت‌دهی مخاطب، مورد اهتمام حضرت بوده است زیرا این بیان به نحو ضمنی، این قابلیت را در مخاطب فراهم می‌کند که برای درک و قبول مطالب آمادگی بیشتری از خویش نشان دهد و حس اطمینان به طرف مقابل در او ایجاد گردد؛ چنان‌که عمران صابی نیز در مباحثه خویش با حضرت از عناوین «سید» و «مولای من» استفاده کرده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۶۹).

حضرت نه تنها خود بلکه دیگران را نیز به حفظ تکریم افراد توصیه می‌کردند، چنان‌که در مناظره سلیمان مروزی با ایشان، این موضوع آشکار می‌گردد. هنگامی که سلیمان درباره اراده خداوند دچار تناقض‌گویی شده بود، مأمون و اطرافیان خندیدند. حضرت نیز خندید و فرمود: «تُمْ قَالَ لَهُمْ ارْقُقُوا بِمُتَكَلِّمِ خُرَّاسَانَ» (سخن نگیرید بر متکلم خراسان) (طبرسی، ۱۳۶۱، همان: ۴۰۲). از این‌رو، امام با وجود تکرار مدعاهای متناقض سلیمان، همچنان ایشان را فردی عالم و متکلم معرفی می‌کند و بحث را ادامه می‌دهد تا فضای لازم برای ارائه نظرها و تبیین حقایق و معارف الهی فراهم شود.

البته تکریم و احترام از سوی امام‌رضا(علیه‌السلام) محدود به جلسه مناظره نبوده

است بلکه بعد از اتمام جلسات و گفتگوها نیز مخاطب را مورد اکرام و احترام خویش قرار می‌دادند. به عنوان نمونه، عمران صابی را بعد از اسلام آوردن، به منزل خویش دعوت نمودند و پس از خوشامدگویی به وی، لباس و مرکب و ده‌هزار دینار به او هدیه دادند و تا آنجا وی را تکریم کرد که در سمت چپ خویش نشاندش (طبرسی، همان: ۴۲۵؛ قمی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۴۰۳). بنابراین، تکریم و احترام امام (علیه‌السلام) محدود به جلسات مناظره و پرسش و پاسخ نبوده بلکه همواره حضرت در راستای تبیین معارف الهی و هدایت مخاطبان به سوی سلامت افکار، مخاطبان را مورد اکرام قرار می‌دادند که به نوبه خود اثر روحی و روانی زیادی در رفع اختلاف‌ها و نزاع‌های مذهبی داشت.

۸-۴ ارائه اصول کلی برای تبیین حقیقت

ارائه اصول کلی و ثابت در بیان حقیقت مسئله، علاوه بر تبیین و وضوح حقیقت، راهگشای بسیاری از شبهات فکری است؛ روندی که امام‌رضا (علیه‌السلام) در مناظرات خویش به آن توجه داشته است. حضرت در پاسخ به سؤال از جبر و تفویض، همگان را به فراگیری اصلی دعوت نمود که تمسک به آن، همواره موجب تبیین حقیقت و ظفر و غلبه افراد در مباحث مربوط به جبر و تفویض می‌شود. حضرت آن اصل را این‌گونه بیان می‌کند: «خداوند موجودی است که با اجبار بندگان نه اطاعت می‌شود و نه نافرمانی بندگان به معنای غلبه بر اوست و در عین حال نیز بندگان را به حال خویش رها نکرده است. بر آنچه به آنان عطا کرده، مالک است و به آنچه قدرت بخشیده، تواناست.

در صورت تصمیم مردم به اطاعت، مانعشان نخواهد شد و در غیر این صورت، می‌تواند مانع از انجام آن شود و در صورت عدم منع، خداوند ایشان را به معصیت نینداخته است.» (مجلسی، همان، ج ۵: ۱۶؛ طبرسی، همان: ۴۱۴؛ ابن بابویه، همان، ج ۱: ۱۴۴؛ عطاردی قوچانی، همان، ج ۱: ۳۶؛ شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۴۱۶). بنابراین حضرت علاوه بر

تبیین مسئله، با ارائه راهکار اصلی درباره چگونگی تمییز حق از باطل، از انحراف‌های بیشتر جلوگیری نموده است به نحوی که در صورت نبود امام (علیه‌السلام) نیز با برخورداری از این ملاک، ادعای سره از ناسره تشخیص داده شود و زمینه اختلاف‌ها و نزاع‌های مذهبی به جهت حق دانستن هر یک از گروه‌ها نسبت به دیگری، منتفی گردد.

۹-۴ ارتباط با مردم

امام رضا (علیه‌السلام) برای پاسخگویی به شبهات و دغدغه‌های فکری و حل منازعات مذهبی ناشی از آن، به حضور اندیشمندان در جلسات گفتگو و مناظره اکتفا نفرمود، بلکه برای روشنگری و ارتقای سطح فکری مسلمانان، راه سفر به کوفه و بصره را در پیش گرفت تا از این طریق نیز بتواند بسیاری از شبهات فکری و اختلاف‌ها و نزاع‌های ناشی از آن حل و فصل شود. حضرت پس از شهادت امام موسی (علیه‌السلام) در دیدار با محمد بن فضل، از سفر خویش به بصره خبر داد (مجلسی، همان، ج ۴۹: ۷۳) و هنگام ورود به آن شهر، با پیشنهاد حضرت جلسه‌ای با حضور علمای مسیحی و یهودی چون جانلیق و رأس الجالوت و فرق زیدیه و معتزله برگزار گردید. در این گفتگو و مناظره، حضرت به سؤال‌های مطرح‌شده پاسخ دادند (همان: ۷۹-۷۳). همچنین هنگام خروج از بصره، از قصد خویش برای سفر به کوفه خبر دادند و پس از ورود، دستور دادند جلسه علمی تشکیل شود و برای بهره‌مندی مدعوین از علم خویش، به پرسش و پاسخ با علما و صاحب‌نظران پرداختند (همان: ۷۹).

این مسئله نشان از آن دارد که از یک سو حضرت برای تبیین معارف الهی و رفع شبهه‌ها، اختلاف‌ها و نزاع‌های ناشی از آن، رنج سفر را تحمل کرده‌اند و از سوی دیگر، این مسئله نشانگر تکریم و احترام بزرگان و اندیشمندان از سوی امام (علیه‌السلام) است که امام در بحث اختلاف‌ها و نزاع‌های مذهبی، متوجه بزرگان و صاحبان آن اندیشه است تا با تبیین حقایق و پاسخ به شبهه‌های این گروه به واسطه تأثیرگذاری آن‌ها

بر پیروان خودشان، اقدامی بنیادی در جهت نشر حقایق و ایجاد وحدت کلمه و رفع منازعات مذهبی انجام گیرد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد این نتیجه حاصل می‌شود که روش حل و فصل منازعات مذهبی را می‌توان در آموزه‌های امام‌رضا(علیه‌السلام) به زیبایی تمام جستجو کرد؛ هنگامی که با وجود کنترل حضرت از سوی خلیفه عباسی و تعدد فرقه‌ها در فضای باز فرهنگی آن زمان، حضرت با استفاده مناسب از گفتگوهای مناظراتی روشمند، به روشنگری نگرش‌ها و تفهیم درست معارف دین پرداخته است. حضرت در این‌گونه گفتگوهای خویش توجه شایانی به اصل مخاطب‌شناسی و موضوع‌شناسی داشته و در فرایند گفتگوهای مناظراتی، از اصول مشترک و مورد قبول طرفین به‌خوبی بهره می‌جسته است. برپایی مناظرات امام‌رضا(علیه‌السلام) بر اساس اصل انصاف و تکریم و شخصیت‌دهی مخاطب بوده و برای القای صحیح معارف دین، از برهان‌های عقلی و قابل قبول همگان استفاده می‌کرده است. البته، همه این جوانب زمانی برای رفع اختلاف‌های مذهبی و نزاع‌های ناشی از آن، کارساز و کارآمد خواهد بود که آگاهی کامل بر موضوع مورد بحث و به همان نسبت، نقاط ضعف و مثبت نگرش مخاطب وجود داشته باشد؛ امری که در شخصیت امام‌رضا(علیه‌السلام) وجود داشته و بدین جهت توانایی آن حضرت در اجرای گفتگوهای مناظراتی مفید و ثمربخش، انکارناپذیر است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- صحیفه سجادیه.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. مصحح: محمود محمدطناحي و طاهر احمدزاوی. چاپ چهارم. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). *التوحيد*. محقق: هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا (عليه السلام)*. محقق: مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). *المناقب*. قم: علامه.
- _____ (۱۳۹۹ق). *متشابه القرآن و مختلفه*. قم: دار بیدار للنشر.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۸۰). *لهوف*. محقق: فارس تبریزیان. ترجمه حسن میرطالبی. قم: دلیل ما.
- ابن مزاحم، نصر. (۱۴۰۴ق). *وقعة الصفین*. محقق: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله. (بی تا). *عوامل العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال*. محقق: محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی. قم: مؤسسه الإمام المهدی (عج).
- بستانی، فؤاد افرام. (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*. تهران: اسلامی.
- تقی زاده داوری، محمود. (۱۳۸۵). *تصویر امامان شیعه در دایرة المعارف اسلام (ترجمه و تقد)*. قم: مؤسسه شیعه شناسی.
- جعفریان، رسول. (۱۴۲۳ق). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام)*. چاپ ششم. قم: انصار بیان.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و جاوید، مهدی متین. (۱۳۷۸). «بررسی نقش حل و فصل منازعه در روابط بین الملل». *فصلنامه سیاست*. دوره ۳۸. ش ۱. بهار ۱۳۸۷: ۳۸-۱۵.
- جوهری، اسماعیل بن حماد الصحاح. (بی تا). مصحح: عطار، احمد عبدالغفور. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- حسینیان مقدم، حسین و همکاران. (۱۳۸۸). *تاریخ تشیع*. چاپ پنجم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلاوری، ابوالفضل. (۱۳۸۷). «درآمدی نظری بر حل منازعات سیاسی». *فصلنامه سیاست*. دوره ۳۸. ش ۳. پاییز ۱۳۸۷: ۷۰-۴۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). *مفردات الفاظ القرآن*. چاپ دوم. تهران: مرتضوی.
- زبیدی، محمد بن محمد مرتضی. (بی تا). *تاج العروس*. محقق: علی شیری. بیروت: دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر. (بی تا). *أساس البلاغه*. بیروت: دار صادر.
- شوشتری، نورالله. (۱۴۰۹ق). *إحکام الحق و إزهاق الباطل*. قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۶۱). *الإحتجاج*. مشهد: المرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*. قم: آل البیت.

- طبری آملی (صغیر)، محمدبن جریر. (۱۴۱۳ق). دلالت‌الایمات. قم: بعثت.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع‌البحرین. محقق: احمد حسینی اشکوری. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.
- طوسی، نصیرالدین. (۱۳۶۷). الاقتباس. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- عرفان‌منش، جلیل. (۱۳۷۶). جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا (علیه‌السلام) از مدینه تا مرو. چاپ دوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۴۱۳ق). مسندالامام‌الرضا (علیه‌السلام). چاپ دوم. بیروت: دارالصفوه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی‌تا). کتاب‌العین. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب. (بی‌تا). القاموس‌المحیط. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فیومی، احمدبن محمد. (بی‌تا). المصباح‌المنیر. چاپ دوم. قم: مؤسسه دارالهجره.
- قرشی، باقر شریف. (۱۳۸۲). پژوهشی دقیق در زندگانی امام‌علی بن موسی‌الرضا (علیه‌السلام)، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- قرشی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. ج ۶. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۹). منتهی‌الآمال فی تواریخ‌النبی و‌الآل. قم: دلیل‌ما.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. تحقیق: دارالحدیث. قم: دارالحدیث.
- لیثی، سمیره مختار. (۱۳۸۴). جهاد شیعه در دوره اول عباسی. تهران: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- مجلسی، محمدباقر. (بی‌تا). بحار‌الأنوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۸). نظریه حقوقی اسلام. چاپ چهارم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. چاپ هشتم. قم: صدرا.
- مقدسی، مطهر بن طاهر. (بی‌تا). البدء و التاریخ، بی‌جا: مکتبه‌التقافة‌الدینیة.

